[مقدمه - تمهیدات تربیتی 2](#_Toc367605859)

[تقسیمات تمهیدات تربیتی 2](#_Toc367605860)

[1. تمهیدات محض و مشترک 2](#_Toc367605861)

[2. تمهیدات به عنوان اولی و عنوان عام 2](#_Toc367605862)

[3. تمهیدات ایجابی و منفی 3](#_Toc367605863)

[4. تمهیدات مطلق و نسبی 4](#_Toc367605864)

[سیره تربیتی معصومین 5](#_Toc367605865)

[تفسیر تربیتی 5](#_Toc367605866)

[5. تمهیدات تربیتی آگاهانه و غیرآگاهانه 6](#_Toc367605867)

[6. تمهیدات ایحابی به عنوان اولی 7](#_Toc367605868)

[1. برّ و احسان............ 7](#_Toc367605869)

[2. اعانه بر بِرّ و احسان 8](#_Toc367605870)

[3. حسن تهیه مقدمات اطاعت و ترک معصیت 8](#_Toc367605871)

[4. خیرخواهی برای دیگران 10](#_Toc367605872)

[5. عناوین خاص دیگر 10](#_Toc367605873)

[7. تمهیدات تربیت سلبی به عنوان اولی 11](#_Toc367605874)

[عناوین عامه در تمهیدات تربیتی 11](#_Toc367605875)

مقدمه - تمهیدات تربیتی

چون دیروز وارد یک بحثی شدیم، گرچه ترتیب منطقی بحث اقتضا می‌کرد که ادامه بحث دیروز را در ابتدای ورود در مباحث تربیت قرار دهیم. یعنی وقتی وارد فقه­التربیة می‌شویم، بگوییم تربیت تقسیم می‌شود به تمهیدات و فعالیت­های مستقیم تربیتی و همان­جا تمهیدات تربیتی را توضیح دهیم و یک بابی برای آن باز کنیم و مفهوم­شناسی و تقسیمات آن را ذکر کنیم. اما ما به میانه بحث پرداختیم ولی چون وارد شدیم فکر کردم که مجموعه نکاتی باقی مانده که مهم است عرض کنم. دیروز گفتیم که این بحث­شناسی در آغاز باید مطرح شود تربیت به معنای عام گفتیم تقسیم می‌شود به تمهیدات و فعالیت­های مستقیم تربیتی بعد این تقسیم بود که ابتدا عرض کردیم. در باب تمهیدات که این موضوع باشد چند بحث را ما اینجا گفتیم که من آن‌ها را می‌نویسم.

تقسیمات تمهیدات تربیتی

1. تمهیدات محض و مشترک

این تقسیمات تمهیدات تربیتی است تمهیدات محض و خالص و مشترک، آنهایی که ممحض در تمهید است یا اینکه فلسفه اصلیش همان کار تربیتی و زمینه­سازی تربیتی است و مشترک آن است که علاوه بر فلسفه تربیتی فلسفه­های دیگری هم دارد که یکی هم این است.

1. تمهیدات به عنوان اولی و عنوان عام

دوم اینکه تمهیدات تربیتی تقسیم می‌شود به تمهیدات به عنوان اولی و تمهیدات به عنوان عام، مقصود هم این است که یک سری تمهیدات در خود شرع آمده است. یک سری تمهیدات که در شرع به صورت ویژه تأکیدی بر آن نشده اما یک قواعد عامه داریم که ما را به سمت آن دعوت می‌کند. که راجع به این بحث می‌کنیم. باز تمهیدات فردی، تمهیدات اجتماعی و خانوادگی هم می‌شود جدا بیاوریم؛ و اینجا گفتیم تمهیداتی که در نظامات اجتماعی یعنی فرهنگی اجتماعی معماری و اینها می‌شود تمهیداتی را برای مباحث فرهنگی و اخلاقی و تربیتی دید. ممکن است خود شارع تمهیدات اجتماعی را گفته باشد. ممکن است ما از راه کارشناسی­های علمی بگوییم که باید به آن توجه کرد؛ و تمهیداتی که در طرف آن، مورد محض است مثل حمل بچه و این‌ها، یا اینکه طرف عام، موجود متربی است در واقع نوعی آگاهی دارد و آن وقت خود این هم که موجود متربی مورد قرار می‌گیرد، گاهی به فعالیت تربیتی ما آگاهی ندارد، گاهی دارد. اینکه اینطور معماری کردیم گاهی این را می‌فهمد، گاهی نمی‌فهمد. ولی نوع تنظیم این قوانین طوری است که این تأثیر را دارد. این هم یک تقسیم که اینجا هست.

1. تمهیدات ایجابی و منفی

یک تقسیم دیگر هم در تمهیدات وجود دارد تمهیدات ایجابی یا اثباتی و تمهیدات منفی. یعنی آنجایی که کاری انجام می‌شود که نتیجه منفی دارد. برای مواردی که افراد آگاهی دارند آن هم یک وقتی ما در یک فضای کاملا تربیتی آگاهانه اقدامی می‌کنیم وقتی تمهیدی انجام می‌دهیم، در یک فضای عمومی که تأثیر هم دارد. اما تمهید عامی که انجام می‌شود و در روح هم اثر دارد، گاهی غافل است، گاهی هم توجه دارد. کسی که درس نخوانده و توجه به این‌ها ندارد، تحت تأثیر قوانین و مقررات و نظامات اجتماعی از لحاظ تربیتی توجه ندارد. ولی کسی که می‌فهمد و درس می‌خواند، دقیق می‌داند که چه طور برایش مهندسی می‌کنند. تا این دو باب می‌شود معماری که نتیجه منفی دارد یا معماری که نتیجه ایجابی دارد این هم در تمهیدات مثبت و منفی است. مثل همه مواردی که می‌گوییم تربیت، که گاهی تربیت خوب ولی گاهی هر نوع اقدامی که اثر بگذارد، می‌گویند تربیت منفی، منفی آنجایی است که کسی با برنامه طوری طراحی می‌کند که این­ها به سمت گمراهی بروند. تمهیداتی که ما انجام می‌دهیم یک تقسیم دیگری است. تمهیدات تربیت خوب گاهی کاری می‌کند برای اینکه اثر خوب بگذارد گاهی چیزهایی را بر می‌دارد برای اینکه اثر بگذارد.

تمهیدات ایجابی و سلبی گاهی به آن معنا است و یک معنایش این است که تمهیدات سلبی به آن معناست. یک وقتی ما اقداماتی برای کار خوب می‌کنیم این اقدامات ما گاهی از فعالیت ایجابی است انجامی است و فعل و وجودی است گاهی عدمی است یک کارهایی نمی‌کند برای اینکه این‌ها خوب تربیت شوند، جلوی کارهای بد را می‌گیرد. این یک بحث است که معلوم است مقصود نبود.

یک بحث هم این است که تمهیدات درست برای تربیت او یا تمهیدات غلط برای اینکه افراد به ضلالت کشیده شوند. ما در طرف سلب هم حرف داریم. می‌گوییم تمهیدات اضلالی نباید شود. به هر حال مقصود ما اینجا از تمهیدات ایجابی تمهید برای هدایت است و آن تمهید برای ضلالت است یک تقسیم دیگر که داریم تمهید در واقع ایجابی یعنی فعالیت وجودی، کاری می‌کند برای اینکه این‌ها هدایت شوند یا سلبی است یعنی نفی و عدم یعنی کارهایی برای عدم فعالیت است. کاری را نمی‌کند برای اینکه مسیر درست بروند. بازدارندگی است. اگر اینجا ایجادی بگوییم بهتر است. این هم دو تقسیم البته این تقسیم، تقسیم متفاوتی است ولی باید به آن توجه داشت.

1. تمهیدات مطلق و نسبی

تقسیم دیگری هم که اینجا در این تمهیدات وجود دارد این است که تمهید مطلق و نسبی. منتهی با معنایی که عرض می‌کنم. مقصود ما از تمهید مطلق، چیزی است که نسبت به همه و در همه اوضاع و احوال یک کار تمهیدی است. اما تمهید نسبی این است که ممکن است این نسبت به فردی و جایی یک روش تربیتی باشد، ولی نسبت به دیگران تمهید باشد. نسبی مثل امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر برای فردی که مخاطب امر و نهی است یک روش تربیتی است، با قیودی که دارد. اما همین امر و نهیی که به او انجام می‌دهد، یک نوع تمهیدی است برای کل جامعه و دیگران. برای کل جامعه با امر و نهی فضا­سازی می‌شود. که این فضا­سازی به همه یک تأثیری دارد. بدون اینکه مخاطب ما آن‌ها باشند و حتی کسی آگاهی به این هم داشته باشد. ولی این فضا در واقع ایجاد می‌کند و تأثیر غیر مستقیم و تمهیدی روی بقیه دارد. بنابراین بعضی فعالیت‌ها است که نسبت به همه، شرائط یک فعالیت تمهیدی است. ولی بعضی فعالیت‌ها است که نسبت به کسانی یا در وضعی، این، اقدام و روش تربیتی است اما برای دیگران و در شرائط دیگر، همین، تمهید است. این هم در شهر ما زیاد با این مواجه هستیم که مقصودمان از مطلق و نسبی در اینجا این است که عرض کردیم.

سیره تربیتی معصومین

این بحثهایی که در مورد تمهید است با مفهومش که دیروز توضیح دادیم و بسیار هم مهم است و گفتیم که تمهیدات هست که حلقه اتصال سایر نظامات با نظام تربیتی می‌شود و لذا این همان راز این است که می‌گوییم نظام تربیتی پیوسته با سایر نظامات است یعنی همه نظامات می‌تواند در نظام تربیتی نقش ایفا کند و نقش تمهیدی می‌تواند داشته باشد. این نقش تمهیدی یک نقش وسیع و گسترده‌ای است که چترش روی همه نظامات اجتماعی و اقدامات و فعالیت‌ها سایه می‌افکند و می‌شود، جلوه دیگری از همین را در بحثی که ما در بحث­های سیره هم عرض می‌کردیم که این راز همان هست که همه سیره­های عملی معصومین، چون در جایگاه تربیت هستند، حداقلش این است که یک نگاه تمهید تربیتی در آن‌ها هست؛ و لذا ما می‌گفتیم که اگر بخواهیم سیره تربیتی را از سایر سیره­ها جدا کنیم، باید بگوییم سیره­هایی که تربیتی به معنای خاص است و الا اگر به معنای عام تمهید هم بگیریم، همه سیره­ها یا حداقل نود درصد آن‌ها، تربیتی هم هستند. همه رفتارهایی که از معصومین صادر می‌شود این‌ها اگر تربیت را به معنای عام در نظر بگیریم هشتاد نود درصد آن‌ها تربیتی هم هست اگر تربیت را به معنای تمهید بگیریم برای اینکه یک نوع نگاه تربیتی در آن‌ها هم هست. سیره تربیتی به معنای خاص بگیریم آن وقت می‌شود یک بابی که قسیم ابواب دیگر است.

تفسیر تربیتی

این یک جلوه‌اش در سیره‌ها است یک جلوه‌اش هم در قرآن است. می‌گوییم تفسیر تربیتی با دو دید می‌شود گفت یک وقتی تفسیر تربیتی یعنی چیزهایی که مستقیم آموزه خاص تربیتی می‌دهد. یک وقتی می‌گوییم تفسیر تربیتی یعنی آن نگاه تربیتی هم در او وجود دارد. آن وقت همه قرآن تفسیر تربیتی می‌شود. البته با یک نگاه ویژه و خاص، خیلی مطلوب است. مطلوبیتش این است که شما یک عینکی گذاشتید با این عینک آیه به آیه معنا می‌کنید. آن وقت چیزهای بیشتری در آن پیدا می‌شود. فقط در سوره ناس بیست، سی تا نکته دقیق تربیتی به معنای خاص آدم در می‌آورد. که همین را وقتی مفسر دهید، در حال طبیعی این‌ها را پیدا نمی‌کنید. مثل اینکه چند روز است که این آیه **«وَ لاَ تَأْکُلُوا أَمْوَالَکُمْ بَيْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُکَّامِ لِتَأْکُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ‌«**بقره/188. همه تفاسیر چیزی می‌نویسند و خوب هم معنا می‌کنند ولی عینک فقهی که ما گذاشتیم و دنبالش می‌رویم می‌بینیم چقدر بحث است یا **«قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِيکُمْ نَاراً»** که همه تفاسیر را شما دیدید و ما هم ده، بیست جلسه بحث کردیم وقتی با یک نگاه فقهی و تربیتی سراغش می‌رویم می‌بینیم که چقدر نکته در آن هست. مهم این است که این نگاه، متن را پربار می‌کند و مطالب را مکشوف می‌کند.

1. تمهیدات تربیتی آگاهانه و غیرآگاهانه

ما یک بحث دیگری داریم و آن این است که تمهید تربیتی گاهی مورد آگاهی مربی یا فاعل آن فعل و آن طراح است. گاهی هم، مورد آگاهی نیست. خیلی از کارها ما می‌کنیم که بازتاب­های تربیتی دارد در ساخت و ساز و زندگی و برنامه­ریزی و قانون­گذاری­مان تأثیر دارد، ولی توجهی به آن نداریم. چون توجه نداریم، نمی‌توانیم راجع به آن حرفی بزنیم. جز اینکه بگوییم توجه داشته باش. تأثیرات طبیعی و قهری که این فعالیت‌ها در تربیت و شکل­گیری شخصیت و رفتارها دارد که مورد توجه خود فاعل هم نیست. این نظیر آن بحث در جامعه­شناسی است که بعضی گفته‌اند که جامعه­شناسی یعنی پیامدهای ناخواسته فعل اختیاری. یعنی افعال اختیاری ما یک پیامدهای خواسته تدبیر شده آگاهانه دارد. یک پیامدهایی دارد که ما به آن توجه نداریم و نمی‌خواهیم، ولی می‌شود. وقتی کسی انقلابی را در کشوری برپا کرد یک چیزهایی را می‌خواسته و محقق شده یا نشده همان، آن قدر بازتاب­هایی دارد که در ذهن آن پدید­آورنده‌اش هم نبوده ولی همه معلول همان کار است. مرحوم عبدالکریم حائری که اینجا آمد صد تا دویست تا، با تدابیری گفت که حوزه­ای اینجا داشته باشیم و آمد اینجا، کاری شروع کرد. اما اینکه این حوزه با این امکانات شود، شاید در ذهن او خطور هم نمی‌کرد که بسط و گسترش پیدا کند و یا به این مسیر برود. همه این‌ها نتایج ناخواسته فعل او است. تمهیدات در واقع تمهیدات آگاهانه خواسته تدبیر شده و تمهیدات ناخواسته­ای که همینطور وجود دارد، ولی او نمی‌خواهد یا نمی‌داند. گاهی نمی‌داند ولی گاهی می‌داند ولی دوست ندارد و می‌شود. این دو نوع تمهید هم دارد که از نظر فقهی هم ممکن است همین تقسیم مورد بحث قرار بگیرد و نکاتی در آن وجود داشته باشد. این انواع تقسیماتی است که اینجا وجود دارد و ما در میانه یک بحث مسلسل تربیت خانوادگی به بهانه­ای ناچار شدیم در بحث عام برویم این بحث عام در بحث مستقل در ابتدای این‌ها یا در ابتدای فقه التربیة باید مورد توجه قرار بگیرد. این‌ها همه بحث­های مفهوم­شناختی بود.

1. تمهیدات ایحابی به عنوان اولی

یک بحث فقهی هم بر اساس اینها به اجمال، داشته باشیم. این بحث بیشتر ناظر به اینجاست. بخشی از تمهیدات در خود شرع و متون دینی آمده که مثلا نام بگذارید و این کار را کنید. که می‌دانیم که این دستوری است که ابعاد مختلف دارد و در عین حال یک بعد تمهیدی هم دارد که یک فضای مناسب تربیتی را ایجاد کند. اما بخشی از تمهیدات تمهیداتی است که ما به عنوان خاص چیزی نداریم. مثلا تمیهدات تربیتی نوع بازی‌هایی که برای کودکان و نوجوانان طراحی می‌شود. مقوله بازی در دنیای امروز بار تربیتی و اثر­گذاری­اش خیلی بالا است. فوق العاده بار فرهنگی و تربیتی و اجتماعی دارد. در شرع چیزی نیامده که مثلا بازی را اینطور تنظیم کن یا در مورد معماری و مسکن و این‌ها هم یک چیزهایی با عنوان اولی داریم ولی خیلی از چیزها هم به عنوان اولی نیست. ما اگر با یک نگاه کارشناسی، احراز کردیم که چنین معماری یا تدریس یا قانون­گذاری یا مدیریت را می‌گیرد، این‌ها وقتی که اینطور تنظیم شود، افراد را به سمت معنویت یا اخلاقیات و فضایل اخلاقی می‌برد، این‌ها باید رعایت شود یا نه، تمهیداتی که با عناوین‌ها در شرع وارد نشده ولی با کارشناسی­های درست و محکم و قابل اعتماد روشن شده که این در جهت­گیری مثبت تأثیر دارد یا در جهت­گیری منفی که بخش تمهیدات منفی است که بعد بحث می‌کنیم، ما با چه عناوینی می‌توانیم از نظر فقهی و اخلاقی بگوییم که این تمهیدات تربیتی ترغیب شده‌اند. عناوین دعوت کننده به تمهیدات ایجابی برای تربیت، این‌ها عناوین زیادی است که فهرست­وار می‌گویم. البته این‌ها عمدتا عناوین استحبابی است:

1. برّ و احسان

یکی بحث احسان است که قبلا مفصل بحث کردیم احسان از مفاهیم بسیار عامی بود که در بحث تفسیری که ما داشتیم می‌گفتیم که انواع مفاهیم کمک رسانی به دیگران و رفع مشکل دیگران همه طبقه­بندی می‌شود در چند رتبه و همه زیر پر **احسنوا** می‌آیند. که در قرآن هم گفتیم که روی احسان تأکید شده. خیلی مفاهیم داریم. مثلا اطعام یتیم و اسکان و **تفریج کرب مؤمن** داریم و برای همه این‌ها یک طبقه­بندی ارائه کردیم و نهایتا همه زیر چتر دو تا عنوان خیلی عام قرار می‌گیرد:

یکی احسان و بِرّ بود که با یک تفاوتی که در آن بود این قاعده­ای است که احسان مستحب است و از مستحبات مؤکد است و مراتب هم دارد. معنای احسان عام بود. یعنی هر چه که خیری به دیگران می‌رساند و مهم‌ترین خیری که به دیگران می‌شود رساندن خیرات معنوی است و آن را هم می‌گیرد. این اقدامی هم که می‌کند که او در اثر این اقدام در مسیر درستی حرکت می‌کند، احسان به اوست. وقتی به کسی نماز یاد می‌دهیم، احسان می‌کنیم؛ معماری که این شهرک را طراحی کرده مسجد را طوری تنظیم می‌کند که مسجد در قلب زندگی اجتماعی مردم بیاید و روی آن‌ها تأثیر بگذارد اگر کارشناسی این‌ها را گفت اقدام او یک احسان و بر است. این یک عنوان است که بحث کلی کبرویش را گفتیم فقط انطباق مورد را اینجا بحث می‌کنیم.

1. اعانه بر بِرّ و احسان

یکی هم اعانه بر بر و نیکی است تفاوت این‌ها را هم گفتیم یکی اینکه، احسان کنید. یکی این است که به برّ و تقوی کمک کنید «**تَعاوَنُوا عَلَى اَلْبِرِّ وَ اَلتَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى اَلْإِثْمِ وَ اَلْعُدْوانِ»**مائده/2، و وقتی که معلوم باشد که این اقدام او موجب می‌شود که او هم به این سمت حرکت کند. این کارشناسی مصداق «**تَعاوَنُوا عَلَى اَلْبِرِّ وَ اَلتَّقْوى»** می‌شود این یک نوع کمک شد که این فضای فکری و معنوی و اخلاقی برای اینجا حاکم شود.

1. حسن تهیه مقدمات اطاعت و ترک معصیت

یک عنوان دیگری هم که گاهی در فقه آمده است حسن تهیه مقدمات اطاعت و ترک معصیت است. این را در حد وجوبش، محل بحث است و در مکاسب محرمه هم گفتیم که این حکم عقلی حتی اگر هیچ دلیل شرعی هم نداشتیم در حد حسن و استحباب این حکم عقلی هیچ تردیدی نیست. اینکه کسی شرائطی را فراهم کند که ارزش‌های الهی و موازین الهی در جامعه تحقق پیدا کند و جامعه به سمت آن نزدیک شود و از معصیت دور شود هر نوع زمینه­سازی برای این رجحان دارد و عقل هم این را می‌گفت و از مستقلات عقلیه است البته امام و این‌ها در حد وجوب خواسته‌اند بیاورند که مناقشاتی وجود دارد اما در رجحان اصلی تقریبا هیچ اختلافی وجود ندارد اقدامات تمهیدی که زمینه اطاعت الهی را در جامعه فراهم می‌کند زمینه دوری و اجتناب از معصیت را فراهم می‌کند این هم از قواعدی است که حکم عقلی مستقل دارد و دو تای قبلی هم گرچه عقل آن را می‌فهمد اما دلائل شرعی دارد. کبریات این را ما در یک جایی بحث کردیم فقط تطبیق به موردش را بحث می‌کنیم یکی هم بحث روایاتی است که «**مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»[[1]](#footnote-1)** یا **«عَلَّمَ‏ بَابَ‏ هُدًى‏»[[2]](#footnote-2)** است **علم باب هدی** اینجا معنا ندارد در این تمهیدات فرض این است که اقداماتی می‌کند که روی تفکر و جهت­گیری­های جامعه اثر می‌کند و تعلیم باب هدایت درآن نیست اما ممکن است بگوییم عنوان دیگری که در روایات گفتیم «**مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** که روایات معتبر داشت آدرسش را آنجایی که بحث می‌کردیم دادیم. ما باز بحث «**مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** یا **علم باب هدی** را در بحث­های سابق خیلی مفصل بحث کردیم. روایات معتبر دارد در وسائل آمده که کسی که پایه­گذار یک سنت نیکوئی باشد، در ثواب­های آن سهیم است. آن وقت این پایه­گذار سنت نیکو به اینکه مثلا یک وقف کند یا وصیت کند که در این موقعیت به مردم غذا دهند یا روضه بخوانند این‌ها همه «**مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** است یا یک روش اجتماعی را درست می‌کند که در این روش و راه آدم­ها به سمت خیرات حرکت می‌کنند، این‌ها همه مصداق تصمیم سنت حسنه است. اینکه معماری را طوری انجام می‌دهد که مردم در فضای این شهر احساس معنویت می‌کنند یا زمینه‌ای برای گناه برای او کمتر فراهم شود یا نوع مدیریتش اینطور است، این‌ها همه مصادیقی از تصمیم **سنت حسنه** است چون این‌ها را بحث کردیم، نمی‌خواهیم کبرویش را بحث کنیم. «**مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»،** گفتیم مقصود این است که بدعتی در دین بگذارد. یعنی خودش مستحبات و واجبات را جعل کند، آن بدعت است. آن را نمی‌گوییم و لذا «**سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** یعنی کاری می‌کند در راستای تحقق مستحبات و واجبات الهی، این نکته در این خیلی مهم است «**سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** یعنی یک سنت الهی را احیاء می‌کند و رواج می‌دهد. همانی که شارع گفته واجب است یا مستحب، یا کمک می‌کند که افراد به سمت آن برود چون **سن سنة حسنه** که نمی‌خواهد بگوید که خودش بیاید بدعت‌گذاری کند. «**سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** یعنی یک چیزی که به عنوان اولی واجب یا مستحب است و الان متروک شده این را رواج می‌دهد. مثلا نماز جمعه خوانده نمی‌شد او پایه‌گذاری می‌کند که خوانده شود. همانی که شرع می‌گوید او رواج می‌دهد. یک مصداقش هم این است که اقداماتی می‌کند که آن به واسطه آن مستقیم واجب و مستحب را رواج نمی‌دهد کاری می‌کند که واجب و مستحب در آن فضا رواج پیدا می‌کند. این هم «**‏سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** است. بحث‌های سندی و ضوابط این قاعده که یک قاعده مهم فقهی است، قبلا بحث کرده‌ایم. ولی با تقریری که عرض کردم، شامل هر نوع عملی که اثر معنوی دارد، می‌شود. مثلا یک بازی را ابداع می‌کند که این بازی ضمن اینکه برای بچه‌ها سرگرمی ایجاد می‌کند، این سرگرمی یک فضیلت­های اخلاقی هم در او پرورش می‌دهد. این «**سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَة»** است. این‌ها مشمول این قاعده هم می‌شود. این هم یک عنوان عامی است که می‌تواند بحث ما را بگیرد البته همه این‌ها در حد استحباب است. طرف سلبی را بحث می‌کنیم این‌ها ایجابی است که در حد استحباب است.

1. خیرخواهی برای دیگران

چیزهای دیگری هم می‌شود شمرد. یکی **نصح المؤمن،** خیرخواهی برای دیگران، شامل این زمینه‌سازی‌ها و تمهیدات می‌شود و در موارد خاص اگر بیائیم مثلا عنوان کلی هدایت دیگران، می‌تواند اینجا بیاید.

1. عناوین خاص دیگر

عناوین خاص‌تری هم که در وقایه بود، می‌تواند اینجا بیاید؛ و عناوین دیگری هم می‌شود پیدا کرد. این مجموعه عناوینی است که در حقیقت در آن بعد تربیت ایجابی می‌گوید تمهید برای تربیت ایجابی، این‌ها ترجیح دارد و ما را ترغیب می‌کند به سمت اینکه به آن امور بپردازیم. البته این عامل ممهد، در شرع، به عنوان اولی نام برده نشده. ما می‌خواهیم با یک عنوان ثانوی عام بگوییم این را هم انجام ده و لذا برای اینکه این مصداق اعانه شود و مصداقی از ممهد تربیت ایجابی شود، این نیاز به کار کارشناسی دارد. یعنی در غالب کارشناسی و شناخت موضوعی است که می‌گوید این تکنولوژی این تأثیر را دارد پس شما اینطور تکنولوژی را طراحی کن و اینطور معماری را تنظیم کن و نظام مدیریتی یا حقوقی اجتماعی را اینطور تنظیم کنید.

7. تمهیدات تربیت سلبی به عنوان اولی

این مجموعه ای از عناوین است پس تا اینجا ما در حقیقت تربیت و تمهیدات را مشخص کردیم و اقسام و انواعش را آوردیم و در اینجا یک بحث مفهوم­شناسی تقسیمات بود بحث بعدی این بود که عناوینی که ممهدات تربیت ایجابی را تأکید می‌کند این هم مشخص شد. در نکته مقابل هم ممهدات تربیت منفی و سلبی است یعنی چیزی که زمینه می‌شود برای اینکه ضد ارزش‌ها رواج پیدا کند. این هم یک باب دیگری است. ممهدات تربیت منفی، در این مورد هم سؤالی وجود دارد که کارها و اقدامات و فعالیت­هایی که نتیجه منفی داشته و با عنوان اولی بوده، چون ممهدات منفی هم که می‌گوییم تمهیدات دیگر در آن جاری است. این ممهدات منفی ممکن است با عنوان اولی باشد. مثلا خلوت با اجنبی که خود شارع می‌داند که ممهد منفی است، شارع آن را منع کرده. آن می‌شود ممهدات تربیت منفی که به عنوان اولی شارع آن را منع کرده است.

عناوین عامه در تمهیدات تربیتی

اما یک ممهدات در تربیت منفی و گمراهی داریم که به عناوین اولیه در شرع نیامده. اینجا ما یک شاغول­های کلی و عام داریم که مشخص می‌کند که این ممهدات را نباید انجام داد یا مانعی ندارد. پس بحث دیگر ممهدات تربیت ایجابی بود به عنوان عام، الان ممهدات تربیت سلبی و منفی با عناوین عام باید ببینیم حکمش چیست؟ چه عناوین عامه­ای داریم که بگوییم ممهدات تربیت منفی حرام است یا مکروه؟

1. **- وسائل الشيعة، ج‏15، ص24.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- وسائل الشيعة، ج‏16، ص173.** [↑](#footnote-ref-2)